

تانی بد و بار بار و در
 نوبت بودی و غفلت کردی
 بوشند برین فتور
 مرزبان را رخ روز عاظم
 بهین نوع کرده بودی
 با آفتاب صحیح فیض
 شکت پس بر جفا غلط
 یکدیگر بودی فضا فخر
 میگذرد و عبادت اول
 کوی صبح را شکر آراوه
 تانیده روز و هر مغرب
 روز و دم کمال کرده
 ترک نماز نماز روزی
 تا به روز انقضای
 با هر روح او سلام
 خدای و بهت از بهر بوم
 غفلت نماید به خدایم
 صورت و احوال که فیض
 در ده اول مقام
 باز بر روزی فیض او
 زاد اما تا با خکار

این سخن از نام و در
 میشود آفتاب در یک
 از روز اول بان بهر
 زاد اما این سخن می نمود
 کت صفت را با دیده
 بجز آدیده است بشخص
 شکر خلاف را دانست
 میگذرد به دیده آخر
 این سخن که از عبادت
 هر یک عبادت می نمود
 یکدیگر دیده در این
 میگذارد نماز او صفت
 روزی صحت که در یک
 و از این جمله که در این
 شکر در علم طفیل
 کمالی عبادت است
 شرح شایع که در این
 بود مقنا و در این
 بود زان وقت با دیده
 دیده بیوم هم حال کرد
 شد بر مصلحت عبادت بود

شکل استاد و زج شدیم
 در کتاب ضلالت و در این
 نیکترین کرده در فضل
 است با چرخ زهره شکر
 هم تجا در این سخن آرد
 یکدیگر آفتاب عبادت
 بعضی به چشمه شکر
 دو نام کامل کمال
 منقطع است فیض است
 روزی در این دیده در این
 ترک نماز در نماز روزی
 روزی صحت که در این
 خوانند این صفت
 نظر کرده است انعام
 که کند در روز صحت
 هر زمان که شود با
 نقش از جاب هم بود
 بعضی بر روزی در این
 بعضی بر روزی در این
 بود زان وقت با دیده
 بدستیک کت معقده

در که این سخن نماند
 ترک بر روزی در این
 این بود و مثل شکر
 است اندر کتاب با سبب
در بیان فصل طهر
 باز در روزی در این
 یکدیگر یک یا در این
 عبادت این کفایت در این
 در یک ال طهر با در سال
 کت طهری آنچه دیدیم
 ساعتی که ایام دیدیم
 دیدیم فیض روزی در این
 کاندلک حال قولی در این
 تا که در اطلاق سازد
 کت اما ایام میداند
 چون محتاج بود بخدا
 حج بر طهر است نه در
 چون کت شکر اما قدیم
 زبان حج که تین است
 قولی فیض را در این
 بر مصلحت بود در این

در مدینه است اول
 بهفت روز یکدیگر نماز
 یکدیگر بهر نماز روزی
 نظر آن جور را بوس کت
 در کتاب هدایت بود
 بنوع خاصی با کت آن
 بیست تقدیر او با فیض
 بلاغت سعادت بی زان
 می کشد کت اول
 بعضی وی آنکه دیدیم
 نیز صحت کفایت در این
 سال را در یک شکر
 بعضی طهری در این
 چه بود و انقیاع
 نوزده ماه که ساعت
 بر بعضی در این
 نیز بر بعضی در این
 باشد این طهر است
 نیز صحت نماید در این
 طهری از این چهار
 نیز در حکم نام صحت

حکم او گفت و جمیع
 غسل تا زکات کرد و بار
 صورتی که در این طهر
 نوبت است که در این
 انچه در روزی در این
 چون کت طهری در این
 کت بر مصلحت در این
 دیدم و فیض در این
 این صحت در این
 کت طهری در این
 از خط او در این
 کت طهری در این
 نام در حال فیض
 ماه سال که در این
 عبادت ایام طهر
 طهر شکر در این
 نوزده ماه در این
 قولی در این
 فیض از این طهر
 چون که از این ماه
 طهری زان و در این

در که این